

تهرانی مصور

مطابق با: از
احمد شاملو ، غلامحسین ساعدی ،
احمد کی نژاد ، حسین مهر و ...
مسعود بهنود

شماره ۲۱ مرداد ۱۳۵۷

پورش حکومت نظامی وار به مؤسسات مطبوعاتی و دستگیری روزنامه نگاران گام نخست برای ایجاد فضای اختناق و دیکتاتوری است

آخرین خبر

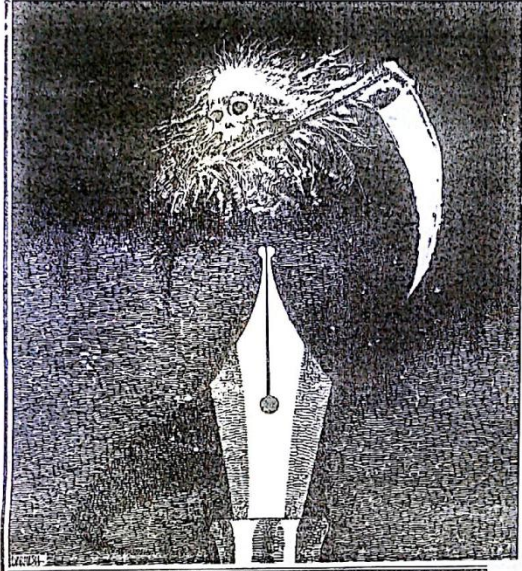
چاپخانه فتح شد!

ساعت ۱۵/۴۰ جمعه

سرانجام پس از سه روز محصل کارگران چاپ یادگاران (آیندگان) و گروهی از نویسندگان و دیگر کارکنان روزنامه که حاضر نبودند محل کار خود را ترک کنند ، و پس از تهدید مقدمات از جمله سیخ گروههای چاقو کشی و زیر فشار گذاشتن گروههای متحصن ، پاسداران با خشونت بسیار نتوانستند چاپخانه را در اختیار بگیرند و گروههای متحصن را دستگیر کنند و با خود بردند. به این ترتیب ۳۶ تن از کارکنان آیندگان در بندند و از آنها که بعضی هاشان نیز زخمی شده اند ، خبری در دست نیست. از همان این عده ۱۱ تن از کارکنان تحریری آیندگانند و بقیه کارگران و کارمندان این مؤسسه .

دیکتاتوری و خفقان ملی شد

توقیف خودسرانه مطبوعات محکوم است



شاه هم نتوانست

غلامحسین ساعدی

دولت یا دقتیور ، قدرت حاکم فلسی با بهندگین مطبوعات بر طرف و طرفی ، ماهیت اصلی بود را با ولایت کامل نشان داد. نشان داد دولت که خود را دولت انقلاب می نامد چه ناپایت و ضد انسانی است و چگونه برای تسلط اختناق سببها می چسبند. ماها بود که آزادی بیان و روحنگران و اهل قلم خدام فریادشان بلند بود و علم داد بزدند که چه پورش و اختناق را برای باور کردن نمرات انقلاب توده گیر خلفای ایران تدارک می بینند. ملام و عوارض این نقشه اظهار منالتر بود. از همان زمانیکه از رسیدگان فرنگ نشین و فرصت طلبان و انصاریان ترسد داخلی ، تمام منحصای قدرت در اختیار گرفتند و شازده با استغاف از نوق و شوخ توده های هیجانزده به قلع و قمع تمام آزادیهای بست آمدند. پرا دهنند. خاند بودیم که چه مرادوم بر دیش راه انداختند و چگونه زیر تمام قول و قرارها زدند ، مجلس موسسان را مالادند ، و انتعاجات قلابی راه انداختند و دیدیم چه نصیبه های حیرت آور و شیخهای برابور نشان مشله گورا از صندوق ها بیرون کشیدند تا سر نوشت نامه سیاهی تنها برای نسل حاضر که برای نسلهای بعدی رقم بزنند ، نصیبه های که بیشترشان تنها در وره غواصی و ذم که صیبت صلاحیت دارند و هنوز بوکند این فصاحت فرو نشسته که به بهانه های واهی و بر بدشان یاد قولج به بدرد شقیقه به مطبوعات حمله کردند و روزنامه نگاران و کارکنانی که می چسبند برای بوجود آوردن فضای آزاد برای بیان وادینبه می گویند. به زندان کشیدند. با تصرف چاپخانه آیندگان بوسیله گروههای سلاح دروغاف قدرت حاکم با یک تیر به چند هدف زد و خاطر که کیهان ، آفرینش متصف ، بهصراحت اعلام کرده بود تمام روزنامه ها که در این چاپخانه چاپ می شد همه بمساق توقیف گردانند و بعد خبر توقیف روزنامه آنگر و مستتر نشان پیام امروز و ... و می بینیم که بهصراحت

وقتی صبح برمی خیزد و می بینی آزادی نیست

اینکه نه تنها قلم به دستان که آزادی قلم ، و نه تنها آزادی قلم که آزادی زیر فشار اختناق و ارتجاع می شکنند . وقتی قلمها شکسته می شوند ، صبح از خواب برمی خیزی و می بینی نه آیندگان است و غروب ، نه پیام امروز ، فردایش نه آنگر و لایب روزهای بعد نه تهران مصور ، نه آزاد ، نه آزادی ، نه هیچ تشریفی حقگوی دیگر ، دلوه می شکنند . وقتی می بینی گروهی می روند تا جامعه می یک شکل بسازند - زیر شعار : وحدت کلمه و حزب الله - آنوقت است که در می یابی چیزی در درون این جامعه در حال شکستن است و چیزی در حال بوجود آمدن . آنچه می شکنند اعتقادی است که آدمی به چند تن - که ردای رهبری جامعه را پوشیده اند - داشته ، آنچه بوجود می آید روحیهی اعتراض است . این یک شوخی یلید با ملتی است که هزاران کشته داد تا آزادی به دست آورد ، این خرد گرفتن نیروهای در پنهان جامعه است که سالیان دراز اختناق و سلب آزادی را زیسته و ناگهان در روزهای انقلاب خود را در خیابان دیده که چه یر شور جان می داده تا به آزادی برسند . جمله به نهادهای آزادی - مطبوعات یکی از آنها - از آن اشتباهات فاجعه آیز است که می تواند قهرمانانسی را به نیستی برسدند و می تواند خیل میلیونها نفری هوافغان را آرام آرام به اجتماع خشمگین دشمنان بدل کند اگر آزادی قلم برای ما قلم بدستان هواس و بی آن می میریم ، برای آنها که می خواهند حکومت کنند ، در چه اطعینان است و برای ملتی که آزادی اساسی ترین خواسته های قیامش بود ، هوجبی است برای زنده ماندن و حرکت . نبود آزادی اگر ما را به اعتراض می اندازد ، حکومت را به خطر خواهد افکند و مردم را به حرکتی نو خواهد آورد . پدرانمان اشتباه کردند وقتی رضاخان قادر اعلامیه داد «من ام می کنم» در دهانش نگویند . ما این اشتباه را نمی کنیم و تاب سؤال نسل پس از خود را نداریم اگر بیرسند : شما کور بودید و ندیدید ، آن مرتجعان قدرت طلب مبتلاروار گام به گام پیش می آمدند ، شما خواب بودید ، ؟

مسعود بهنود

میاد آزادیخواهان

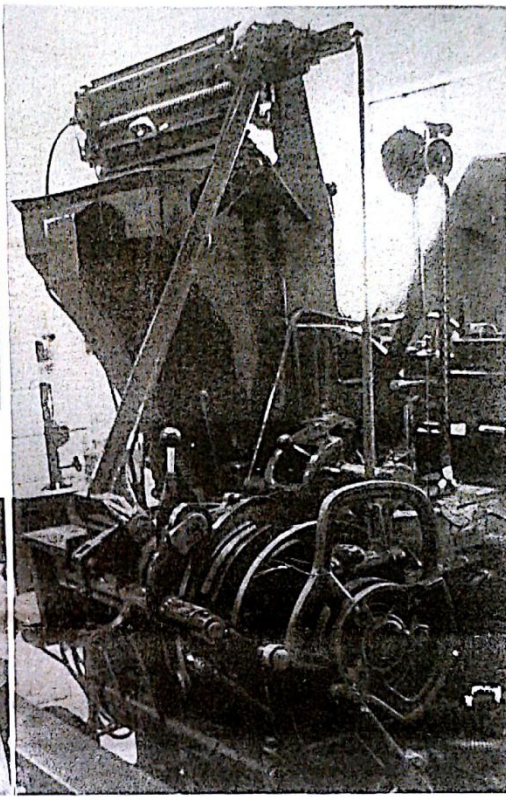
یکشنبه ۲۱ مرداد ساعت ۱۸ جلوه دانشگاه تهران راهپیمایی اعتراض تا جلوه نخست وزیری

خواهان آزادی بدون قيد و شرط همکارانمان هستیم

ماشینها پلمب نشده!



اعتراض



یكشنبه: راهپیمائی اعتراض

هم‌میهنان

همزمان با تصویب لایحه ارتجاعی مطبوعات، یورش حساب شده قدرت انحصارطلب به آزادی‌های دموکراتیک که حویبه‌های شهیدان راه آزادی است، هر روز بیشتر شکل می‌گیرد و جلالت اختناق را تنگ‌تر می‌کند. هجوم مجدد به مطبوعات سرآغاز مرحله‌نویسی از این تجاوز خودسرانه به آزادی و حقوق مردم است. آزادیخواهان ایران نمی‌توانند شاهد بی‌تفاوت احیای اختقافی باشند که در چند ماه پیش گمان می‌بردند برای همیشه به خاک سپرده شده است.

مردم آزادخواه

— برای دفاع از دست آوردهای اصیل انقلاب.
— برای دفاع از آزادیها و حقوق دموکراتیک مردم ایران.

— برای پاسداری از آزادی و بیان و آزادی مطبوعات.

— برای اعتراض به اقدام خودسرانه قدرت حاکم به تعطیل روزنامه‌های آزادخواه جلسه دموکراتیک‌های ایران به یکراه‌پیمائی بزرگ اعتراض در روز یکشنبه ۲۱ مرداد ماه دست خواهد زد چیه دموکراتیک‌های ایران از همه احزاب، گروه‌ها، جمعیت‌ها و کانون‌های آزادخواه و ضد ارتجاع دعوت می‌کند. به این راهپیمائی بی‌بند و صدای اعتراض آزادی علیه اختناق را هرچه رساتر بگوش جهانیان برسانند.

محل تجمع: جلوی دانشگاه تهران ساعت ۶ بعدازظهر یکشنبه ۲۱ مرداد ماه مسیر: از دانشگاه تا نخست‌وزیری.

۱۷ مرداد ماه، هیئت اجرایی

سرانجام آن روز فراروسید...

مفلس خود که نامش آزادی و سرزندگی برای ایرانیان و ایران است از تعطیل، زندان، شکنجه و انعام چه‌باید؟! اقدامات دستگاه حاکم (فراخوان دعوتی است که از همکاری عوامل امپریالیسم جهانی برخوردار است مسترمدت آن خواهد بود که مایستگانه اعمال محدود گردد، نقشها و برنامه‌ها درآید. نوبت تمامی گروه‌های آزادخواه خواهد رسید. ولی این اخبار برای نویسندگان باقی خواهد ماند که درصورت اول مبارزه، گرفتار می‌خیزند.

ملت مبارز ایران باید بداند اگر چاره کار را هرچه زودتر نیابند و همانگونه که دیکتاتور بزرگ قرن را درآورد به همان طریق با این سیاست‌های دیکتاتورمانه و این منق‌نوحش مبارزه می‌گیرد و بی‌امان ننگد، ساها خود و فرزندان در ظلم و ستمی بیشتر از حد تصور قرار خواهد گرفت.

ما اعلام می‌کنیم تا آنجا که جان درین داریم ما دیکتاتوری در هرلیسی، چه کمونیستی، چه سرمایه‌داری و چه اسلامی خواهیم جنگید و تنها سلاح ما در این راه، قلم ما و فکر و اندیشه ما است و اگر در راه‌های کوتاه — این منق‌نوحش را از — ۳ کارائی کمتری داشته باشد چه‌باید زیرا راه ما را فرزندان ما با منق‌نوحش‌های فویز و عشق‌تر و همکار از منق‌نوحش دستگاه حاکم دنبال خواهند کرد.

امید ما به آینده‌ای پاک برای وطنمان و سرزندگی و افتخار برای فرزندانمان است.

پاینده ایران
مرگ راه‌پیمایی جهانی و
برآرتجاج داخلی
هیأت تحریریه تهران‌مسور

آنچه منظرش بودیم رسید — رنکهای خطر که از چندهفته پیش در مطبوعات آزاد به صدا درآمد و طبع روشن آن قرار و آرام را از دستگاه حاکم تلگ کرده بود و هتدیه‌هایی که نست به آینده کشور دراکتر مطبوعات (از جمله تهران‌مسور) داده می‌تند به‌واقعیت بیوست و مقاصد حقیقی بیان شده در زیر پوشش اعلام، بالاخره جدائی خود از اعلام را به‌وضوح نشان داد و چهره حقیقی خود و کره خویش را نمایان ساخت. فریادهای گوشخراش درازبویون، آغاز برنامه حساب‌شده‌ای بود که برای فروپوش و تحکیم هرچه بیشتر چنگ‌های اختناق و یکتاتوری درگوش و بیوست این ملت گردیده و این افکار فاشیستی و ارتجاعی، طبق برنامه‌های از پیش طراحی‌شده، باجمله به‌اندک‌اندک به مرحله عمل درآمد و سپس با دستگیری گروهی از نویسندگان و سپس حمله‌شان از نوع حمله‌های ساواک به خانه‌های افراد مطبوعات در کوی نویسندگان گسترش یافت فریادهای شاه زبان و کودکان که با صدای تنگ مورد حمله قرار گرفته بودند سکوت سخنانهای اطراف کوی را در هم می‌شکست که: « این ساواک اسلامی نابود باید گردد » ولی اسلحه بدون آیدولوژی درست مساحان خود منق‌نوحش را بر سرزوری زنها و بیجه‌های بیگانه می‌زنند دستگاه حاکم برای خالی‌کردن خشم خود که ناشی از عدم شرکت مردم در انتخابات لابی و رساختیری بود، نویسندگان را هدف قرار داد و برای آنکه عکس‌العمل‌های گروه‌های مختلف در اعتراض به فروش دستگاه درام‌انتخابات و ناآرامی‌هایی را که درگوشه‌کار کشور پدید آمده است درآورد خود نگاه داشته و از انتشار واقعه‌ای که درگوشه‌کار کشور می‌گذرد جلوگیری کند چاره‌ای جز فترت، شکست آزادیگان و آزادخواهان ندارد.

ولی برای نویسندگان راستین مطبوعات، این بزرگترین افتخار است که اولین فریادیان در راه مبارزه با دیکتاتوری مجدد، منق‌نوحش، تقب و لیرنگ باشند و در راه این مبارزه و برای رسیدن به اهدافی

در فصل زرد خیانت

حسن رهرو (فرج)

فصل سیاسی جناح مخالف و بعضی از نویسندگان مطبوعات را ، البته در زمان ، جویا نبود . و تاریخ سگندانه فضاوت خواهد کرد و واقعیتها و بی رحم . و فضاوت تاریخ را منصفانه هیچکس نمی تواند . هیچ اعلامی هر چند پر سر و صدا خوش نمی کند تاریخ یا صدوق رای ، حداقل ، این فرق را دارد که نمی توان آرا عوض کرد حتی اگر صد ها حزب های فرساده برآید .

« حزب فقط حزب است . »

شاید کسی با کسانی به انقلابیجات کرده اند .

« انقلاب خیانت خنده » فاجعه انگیزترین نویسی برای حاد های است که می توانست رهایی بخش ناخوش ندی را آرزو داشت .

اما پایان هر روند آغاز فرآیند دیگری است .

اینرا می توانید از هر کسی که دلتان خواست بپرسید .

لاذلق ما نعل می ناله ها هم دیکتاتور خوب شناخته ایم و هم بوی انقلاب را به درستی از دور می شناسیم .

ماده ای که چگونه امتزاج فروخورده و تکدیگر شده القیتی برحق ، بندبرج از حسد نظرات کوتاه مدت به انقلاب نوشته تبدیل می شود . و آقایان ! دقیقا به همین دلیل است که از هر کوب آزادی و آنچه شما می کنید چندان جا نمانده است . حتی و کین در ما هست و درد خیانت و ناراضی ! اما ترس و امید یست .

مهم ظهور دیکتاتوری را خوب می شناسیم و هم انقلابی را که آغاز می شود ، کبرم این را در در فانی دیگر و با صد بندی دیگر . و البته آقایان ، بسیار محترم ! بسیار خوشایتر تا در حسرت غریبه سوز نماند .

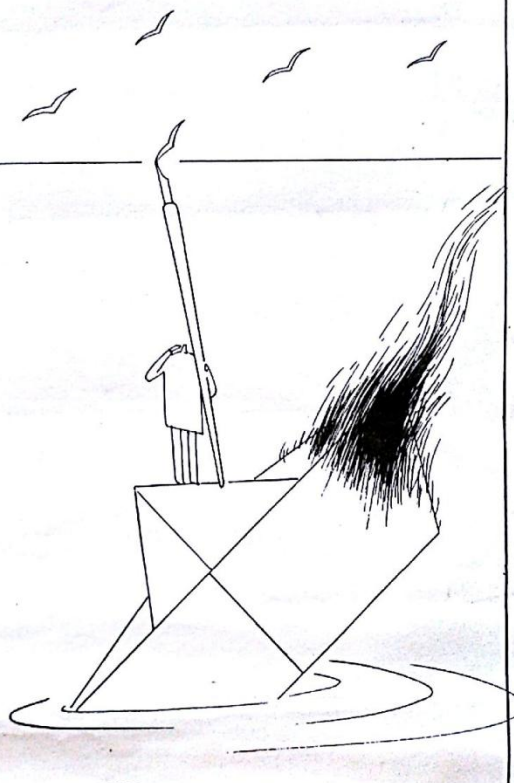
ترس ایران شما است . ترس ایران صحیحان است . ما قوی هستیم . و نظیر همین ترس شما را یکبار دیگر هم دیدیم حمله به آزادی ، صف و نه قدرت حمله کننده را نشان می دهد و آغاز زوال و کمبودی را . ما این ترس را در راه های حکومت نامهم دیده بودیم در سواک ، در ارتش در دیکتاتوری او - ما ترس او را دیده بودیم شما هم دیده بودید و ما اکنون ترس شما را می بینیم اما شما دیگر چهره زرد خود را نمی بینید .

تفسیر جانگانه و واضح ، زاویه دید و چشم انداز را تغییر می دهد ، و این اگر بهار سبز آزادی های ما است . که به پاییز زرد حیات شما تبدیل شده است چهره شما نیز هست که سیاهی خود را نشان می دهد . و این چیزی بود که ما فلا بد دیده بودیم اما چه جاک دنیا محل تجربه است ، شایه چهره شما قدرت ما است . از همان آغاز آسرا حس کردیم همان روزهایی که شما سیات هر که با ما نیست شمس ما است را بریزی کردید . همان روزهایی که جماعت جماعت دست را علیه نظرات ستم آمریکایی تسخیر کردید ، همان روزهایی که وزیر کار شما کارگران را ضد انقلابی تلقی کرد ، همان روزهایی که فدائیان و مجاهدان را در غلغله سلاح می کردید ، سگ را بنشیند و سگ را ستماید و فری ما بر سر مردم کرد سب ریخت ، همان روزهای احیای شخصیت ضد فضاوت ما همه چیز را دانستیم . خیلی سریع و زود . اینرا دیگر به شما مدیونیم شما خیلی سریع و بسیار شتابناک در استان را رو کردید شما آقایان عالیجنابان ! حتی مبارزان خوبی بنشیند و دستتفنگ بگوسیم نتوانستید بنشیند . خوشایتر مردم نگذاشت . آقایان بسیار شایسته ! مردم ما دیگر آن مردمی نیستند که صال حقیقت را تحمل کردند ما فکر می کردیم زلال هویرها ، رمزی کارکنها و ما حداقل دکتری اینرا به شما گفته اند . دانی که گفته اند خود درآید شما تاریخ را عوضی گرفته اید و ما با کمال اطمینان به شما اعلام می کنیم که ما در تاریخ ۱۳۴۸ و یا ۲۸ مرداد ۱۳۴۴ زندگی نمی کنیم تاریخ دقیقا سال ۱۳۷۸ است اما این را شما نمی دانید و نتوانید دانست .

به انقلاب خیانت شده است اما انقلابی دیگر در راه است . احیای دیکتاتوری و بازسازی سگهای ویران شده سیات اجتنابناپذیر شما است اینرا حالا ما دیگر خوب می دانیم . اما اینرا هم بهتر است شما بدانید که تاریخ نه برای اولین بار تازیک است و تکرار هرواژه تاریخی ، حتی دیکتاتوری و شستار نه ، که شما درصدا احیای آن هستند ، چیزی حسرت صححه دلگشا بر نیست

ای قلم ! این شان تست که ،

ایستاده به میری
باباد عمرو سلمری



ارتجاع ، انقلاب را به بیراهه می کشد

احمد شاملو

حرف ما به جایی نرسید ، گویی به کار هشدار ما نیست . ارتجاع انحصار طلب که به سختی گرفتار توهم پیروزی شده ، انقلاب را به بیراهه می کشد . در حالی که از وحشت دموکراسی مشت بر در و سر به دیوار می کوبد در پی آن است برای حفظ قدرتی که با تحریک تعصبات خام اندیشیان به دست آورده همه امیلهای انقلاب را قربانی کند . از بیاباری نودمهایی که خواگر دیوار چشم به وعده های میان تهی او دوخته اند در هراس است و به ناگزیر هر صدای بیدار کننده و آگاهی دهنده را فریاد ابلیس به قسم می دهد و تفریز و تکفیر می کند .

اما این تقضی غرض است آقایان ، اگر جنگال و هیاهوی بی پایه و مایه می توانست حقیقتی را لایوشانی کند رژیم سرنگون شده به زباله دان تاریخ نمی افتاد . شعرا بی هیاهای شاه و چاقو داران شاه هرگز از خواب خرگوشی خود بیدار نمی شوند ، این واقعیتی است ، ای چماق و چاقو هرگز نتوانسته است تا دیرگاه راه بر جبر تاریخ نباشد .

حکومت برجسته نیازمند بر نامه و برش و تعقل است . با زدن و بستن و هیاهو و مظلوم می توان یک چند بی خبران را فریفت اما جاده را ، سراسر ، بی خبران تشکیل نمی دهند . اما به عاقبت آنچه می کنید اندیشه کرده اید ؟

هیاهویی که شما خود در افکنده اید بیدار کننده تر از همه آن چیزهایی است که ما نتوانیم بگوئیم و بدویسم ، به احتمال بسیار در اردوی ارتجاع خواننده و شنونده نمی نماند . آیا خود به آنچه می کنید می اندیشید ؟ برای شما از هیچ طرف راه نیست ؟

خواهان آزادی بدون قید و شرط همکار انمان هستیم

آزادی مطبوعات

جرایم مطبوعاتی باید در دادگاههای صالحه و با حضور هیأت منصفه بررسی شود

ملت، بیدار شو!

احمد کی نژاد

ای مسلمانان! والله اینکارها که اینان می‌کنند مصلحتی نیست. نپذیرید این تنگ را که اسلام مساویز مقصد یابد و جاه طلبی‌ها قرار گیرد. نپذیرید که با نقشه‌ها و طرح‌های حساب شده ملت و کشور را در دسئ تسلیم بیگانگان کنید.

ملت ایران بیدار شو. از خواب غفلت برخیز! ترا چه می‌شود؟ کجایی ای مسلمان؟ در کدام گوشه خفتنی این ایرانی؟ کجایی مجاهد؟ به کدام تاریکی پناه برده‌ای ای فدایی؟ چه شدی مأمور؟ چرا نمی‌اندیشی که خون شهیدان هفت باخته و فریب خورده دامان ترا خواهد گرفت؟

خون منجمد و بسته رگهای شما را حرارت کدام زبونی؟ داغی کدام خفت؟ گریه‌ای کدام خواری و ذلت جبران خواهد انداخت؟ آیا پنجاه سال دیگر خفت و خواری چوایی است که به شهیدان این مرز و بوم باید داد؟ آیا موسسه رسیدن به قدرت برای بعضی ایشان وهم انگیز است که خماری تریاک را در چشمان و اعمال منعکس کند؟ آیا خروش و فریادها، اعتراضها، بانگ آشکارها، تن‌های آغشته بخون و منزهای پریشان فقط در خدمت همه‌ها کردن راه به قدرت رسیدن خودکارگان جدید، قدرت طلبان تو، سوء استفاده کننده‌های تازه از راه رسیدن و سرپرده، و ترکانازی وطن فروشان خون آشام، بود؟ شما را چه می‌شود؟ چربانگاری را که در این کشور می‌گذرد یا کدام مبارز که سرسازو قرار می‌دهد؟ نقشه‌ها و برنامه‌های کاملاً حساب شده از قبل و تدوین شده را که یکبار پس از دیگری، مرحله اجرا در می‌آید چگونه تحلیل می‌کنید، مگر نمی‌دانید پس از سالها دوباره دست استعمار پیراز آستین بیرون آمده و شعار قیمتی خود را در گوش حلقه بگوشان خود زمزمه می‌کنند؟ مگر نمی‌دانید فردا هم نوبت شماست که فقط با میزبان کردن نیروهاست که می‌توان یکی را پس از دیگری از میان برداشت و پایه‌های دیکتاتوری وحشیانه را برای سالها پیرریخت.

چرا نشانه‌ها تا به خود نمی‌آورد؟ آیا حمله به کوی نویسندگان برای جنگجوی عوامل امپریالیسم و صهیونیسم است؟ آیا تعطیل کردن مطبوعات برای مهار کردن عوامل امپریالیسم و صهیونیسم است؟ آیا نویسندگان که از باغ تا نام برای بیداری و آگاهی افراد این ملت و جلوگیری از تسلط جدید احتیاق و دیکتاتوری قلم می‌زنند و شرافت خود را نمی‌فروشند عمال امپریالیسم و صهیونیسم‌اند ولی مرتجعیتی که با ۵۰ میلیون تومان ثروت به یک دست خاک وطن را می‌فروشند و بدست دیگر خلیج را بادمان بیگانه می‌اندازند عوامل امپریالیسم نیستند؟ آیا نویسندگان

شرافتمند و زحمتکش نوکر استعمارند ولی کسانی که آمده‌اند تا خاکی فلسطینی را که سالیهاست در گدایی امپریالیسم گیر کرده بیرون آورده و در گوشه‌های از خاک وطن ما یعنی خوزستان و به زعم آنان عربستان اشغال شده سکنی دهند، نوکر استعمار نیستند؟ آیا عوامل «سیاه» که از طریق و به کمک سازمان امنیت و نیروهای سوریه و فلات‌های لبنان یا درهم کوبیدن جناح جنگنده فلسطینی در تل زعتر، نیروهای رزنده فلسطینی را ز بین برده و حالا با کمک عوامل دیگر آمریکا که در رأس آن سازمان قرار گرفته و با جلوگیری از اقدامات فلسطینی‌ان نقش خویش را به نفع اربابان خود ایفا می‌کند و قصد دارند نیروهای فلسطینی را از اطراف و اکناف اسرائیل به نقاط دورتری که محل امنیت اسرائیل نباشد یعنی خوزستان ما منتقل کرده و اسکان دهند، همه و همه نوکران صهیونیسم نیستند ولی نویسندگانی که صفحه سینمایی یا فرهنگ یک روزنامه را اداره می‌کرد عامل صهیونیسم است؟ اگر این نویسندگان خود فروش بودند آیا جمهوری اسلامی راهش نزدیک‌تر بود و پولش نقدتر یا امپریالیسم و صهیونیسم؟ آیا جمهوری اسلامی که حاضر است برای خرید یک تشریف چند صد میلیون تومان به وسیله افرادی که پول باد آورده حاصل چپاولها و مکیدن خون افراد این ملت را در کبیسه‌داران پرداخت کند و باز نویسندگان شریف این تشریف تن به خفت اسارت نمی‌دهند و راهبر، خارج از ژوسه می‌شوند و تشریف آزاد منتشر می‌کنند، چاندیه بیشتر دارن یا امپریالیسمی که اصولا وجودش بر اساس غصب کردن است و نه بخشیدن؟ و در پی این اتهامات، این ندیده‌ها، این مردم فریبی‌ها چه نهفته است؟ اسلام؟ قسم بخند و تمام مقدمات خیر، اسلام مسلمانان بیگانه است، اسلام از اسن مسلمانان شرم دارد. و مگر نویسندگان چه می‌گویند؟ چیز آنکه می‌گویند مات نامد حاکم بر سرنوشته خود باشد؟ چه آنکه می‌گویند دیکتاتوری در هر لباسی که باشد پذیرفتنی نیست؟ چیز آنکه تقلبات و جناباتی را که در گوشه و کنار کشور انجام می‌شود و توطئه‌هایی که برای نابودی ایران انجام می‌گیرد و برای آگاه‌سازی و بیداری مردم فائز می‌سازند تا مردم را از ما هیت آنچه که بحثناوار بر سرشان افتاده است آگاه کنند؟

ملت ایران بیدار شو، هر مقصدی، خری و مقصودی در دنبال دارد. کسانی که چاره، «دسته‌های» را راه کشیدند و بدین منظور مظهرات را خفه کردند، تصدیان از است که از «دسته‌های» چاپ گوی کندی جوب، انسان و راستین نیست در ارائه اسلام واقم، و راستین نیست اندھا غم خود دارند و بعضاً نسبت اربابانشان را.

ملت کامل مقاله احمد کی نژاد در شماره این هفته
تیر انصوری چاپ می‌شود

دیجیتال کننده مجله: نینا پویان

بیانیه نویسندگان و خبرنگاران مطبوعات

با استعاضای امروز به مطبوعات حاضرین در بیان عمومی امروز به بیانیه ۱۸ مرداد ۱۳۵۸ - تهران برمی‌خواست و اولین گام برای همکاری تشریحی فقه دهنده و بی‌کار نامهان در نوشتن نویسنده، روی داده است و مصوحها نابویه به‌دراست روی گروهی از دوستان تهریزیان علیه هوز هیچ‌دلیل مستند و روشن و محکم نیستی علیه آنان ارائه نشده به‌منافع آراء خاصه زیر را تصویب می‌کنیم و از دولت بوقت جمهوری اسلامی خواستاریم:

- ۱- آزادی فیسوری کارگران - کارمندان - خبرنگاران - نویسندگان - بازرگانان - و نویسندگان و رفع هرگونه ذراحت از آنان
 - ۲- رسیدگی فوری به‌خواست‌های حق کارگران آیندگان که ۸ ساعت است در محل کار خود متوجهند و در شرایط ناگوار جانیان در خطر است.
 - ۳- جلوگیری کامله از تکرار بزرش به مؤسسات مطبوعاتی و به‌خطر انداختن امنیت شغلی کارکنان آنها
 - ۴- رفع ممنوعیت انتشار روزنامه «آیندگان» و «مقتضاه» «آنگر» و فراهم آوردن شرایط مساعد برای تألیف نشریات.
- تجاوز به‌آزادی قلم به‌محرک و هرمنوع محکوم است و تنها سرچ صلاحیت برای رسیدگی به‌مطالب مطبوعاتی دادگاههای صالح مطبوعات خواهد بود.
- ما نویسندگان و خبرنگاران مطبوعات به‌مکتب رسانان که در برابر جامعه و انقلاب ملت ایران داریم فرمانم خودستای قانونی خود قلمبازمانه استعاضای خواهیم کرد و به‌انواع تجاوز لزومی هر فرد یا گروه بقلمه برخواهیم خواست.

آمدند، با چکمه و سلاح... مثل فرمانداری نظامی

چهارشنبه ۱۳۲۰
از سوی پاسداران که جایگاه آیندگان را کاملاً محاصره کردند بودند و به‌کسی اجازه ورود ندادند، آنها حتی از رساندن غذا به کارگران جلوگیری می‌کردند. شورای مشترک محاکم نویسندگان، کارگران و انقلاب‌طلب آیندگان در این‌همه تکرار می‌نمودند که به‌نامگان انقلاب مبارزه می‌کنند. تا به‌کمان خود اعلامیه‌های مندره پیدا کنند.

مراد مبلغ پس‌از آنکه «مدرک جسم» کوی فیروز - کویبندن مسعود هاجر را با خود برد، اما اهالی کوی نویسندگان از زین‌وکوب و بیرون روان، که از این‌همه حیانت‌های بی‌شمه آمدن بودند و آن را تشریح به‌محرم زندگی خود می‌دانند، جلوگیری از مراجع این‌هاست و درحالی که سه‌نمای خود را در برابر مسلحان سپرده بودند و شمار می‌دادند «این سوارک اسلام آورد باید کرده» اجازه توقف مسعود هاجر را ندادند. مراد مبلغ بر اثر مقاومت اهالی کوی نویسندگان عقب نشاند و به‌مسعود هاجر احتیاط کردند که هر چه زودتر خود را به‌کمیته مرکزی معرفی کند.

بگذار دیگر به‌کسانی که دولتی در دولت تشکیل داده، می‌روند با قلمرو ما، می‌دانش و به‌مستزی، چهره انقلاب را آلوده سازند، حتماً داد که نایده‌ها گرفت حقوق دیکرانیک مردم و سرکوب آردای‌خواهان چیزی جز بازی با آتش است.

دستگیری و فشار
پنجشنبه ۱۳۲۰ هجری خورشیدی
صبح امروز (۱۸ مرداد) نظاره‌ها به‌سایت کار آیندگان و آزادی مطبوعات بر پا شد و نظاره‌کنندگان در برابر ساختمان آیندگان گرد آمدند و با شعار «ناسور» احتیاق در نوبت بازگشت به‌توقیف‌خورسرای آیندگان اعتراض کردند. در همین حال با تیربار روی صحنه محاذ زنده‌مانندگان سینه شده بود و باسلاحی عدای از مخالفان آیندگان به‌منافع نظامی - کندیگان شمع بزرگرفت و چمن زخمی شدند.

چهارشنبه ۱۸ مرداد ۱۳۵۸ - تهران
برمی‌خواست و اولین گام برای همکاری تشریحی فقه دهنده و بی‌کار نامهان در نوشتن نویسنده، روی داده است و مصوحها نابویه به‌دراست روی گروهی از دوستان تهریزیان علیه هوز هیچ‌دلیل مستند و روشن و محکم نیستی علیه آنان ارائه نشده به‌منافع آراء خاصه زیر را تصویب می‌کنیم و از دولت بوقت جمهوری اسلامی خواستاریم: